

پرسی جکسون و ایزدان المپ

کتاب پنجم

آخرین

بازمانده‌ی المپ

۵۳۳

ریک ریوردان

مترجم:

محمد رحمانی



واحد کودک و نوجوان

انتشارات سایه گستر

## با مواد منفجره به سفر دریایی می‌روم

پایان جهان وقتی شروع شد که یک پگاسوس<sup>۱</sup> روی کاپوت ماشینم فرود آمد.

تا آن لحظه بعدازظهر فوق‌العاده‌ای داشتم. اگر بخواهم کمی دقیق‌تر صحبت کنم، اصلاً قرار نبود رانندگی کنم، چون هنوز یک هفته تا شانزده سالگی‌ام باقی مانده بود. با این حال مادر و ناپدری‌ام پُل<sup>۲</sup>، من و دوستم راشل<sup>۳</sup> را همراه خودشان به ناحیه‌ی ساحل شخصی در کنار ساحل جنوبی بردند و پل هم ماشین پریوس<sup>۴</sup> خودش را برای یک گردش کوتاه به ما قرض داد.

می‌دانم! الان شما دارید فکر می‌کنید؛ وای! پل چقدر آدم بی‌مسئولیتی و فلان فلان و فلان! اما پل مرا به خوبی می‌شناسد. او مرا در حال قطعه قطعه کردن هیولاها و بیرون انداختن آن‌ها از ساختمان منفجر شده‌ی مدرسه دیده و احتمالاً این نکته را خوب می‌داند که چند صد متر گشت و گذار این اطراف نمی‌تواند

1. Pegasus [اسب بال دار افسانه‌ای].  
3. Rachel

2. Paul  
4. Prius